

پژوهشی بر حقوق ، دستمزد و مواجب در دوران هخامنشیان

دکتر شکوه السادات اعرابی هاشمی

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

shokouhArabi@gmail.com

مرضیه صدیقی هفشجانی (نویسنده مسؤل)

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

baran_m71@yahoo.com

چکیده

در دوران هخامنشیان امور اقتصادی جایگاه ویژه‌ای داشت. هنگامیکه داریوش دست به اصلاحات اقتصادی زد و به گردآوری مالیات در کشور نظم بخشید، سایر امور اقتصادی به ویژه سیستم حقوق و دستمزد نیز سامان گرفت. مالیات-های گردآوری شده که به صورت جنس بود در خزانه انبار می‌شد و به عنوان مواجب به مردم پرداخت می‌شد. گروه-های مختلف در ازای انجام فعالیت، دستمزد دریافت می‌کردند و بر اساس میزان سختی کارها، میزان حقوق نیز افزایش می‌یافت. در دوره هخامنشیان اجناس مختلفی مانند گوشت، آرد و جو به منظور حقوق به افراد داده می‌شد که برحسب میزان کار روزانه متفاوت بود ولی این امر موجب نارضایتی مردم شد زیرا مکان نگهداری اجناس فراهم نبود و اجناس به مرور از بین می‌رفت. با رونق یافتن ضرب سکه ، کم‌کم مردم در ازای کارهای انجام شده به جای دریافت کالا، سکه دریافت می‌کردند. با بررسی پیرامون مسایل اقتصادی در دوره هخامنشیان نتیجه می‌گیریم که به تمامی مردم اعم از کودکان، زنان، مردان، کارگران و سایر افراد حقوق و مواجب تعلق می‌گرفت. هدف از نگارش این مقاله آشنایی با وضعیت حقوق و دستمزد و مواجب در دوره هخامنشیان و شیوه پرداخت آن به گروه های مختلف جامعه می‌باشد. شیوه پژوهش در این مقاله ، توصیفی تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: هخامنشیان، اقتصاد، پرداخت، دستمزد، سکه.

پیش از اینکه به موضوع حقوق و دستمزد و مواجب در دوره هخامنشیان پردازیم لازم است که مقدمه ای پیرامون اقتصاد هخامنشیان بیان داریم. همانگونه که در بالا اشاره شد در دوره هخامنشیان به امور مالی و اقتصادی اهمیت ویژه ای داده می شد. «... دولت هخامنشیان وسعت بسیار زیادی داشت و بسیاری از دولتها و ملت ها که در جوار فرمانروایی پارس بودند مالیات‌هایی به این دولت پرداخت می کردند. ولی این مالیات‌ها روز به روز افزایش می یافت و نارضایتی دولتها را در پی داشت. در پادشاهی کوروش و کمبوجیه مالیات ثابتی رسم نبود. درآمد عمومی از طریق هدایا و تقدیمی فراهم می گشت.» (هرودوت، ۱۳۶۸، ص. ۲۲۲)

هنگامی که داریوش سلطنت را به دست گرفت برای تمام اقوام و طوایف مالیات مقرر داشت و بارسنگین مالیات را تسهیل بخشید و در واقع به سیستم مالیاتی نظم بخشید. در آن زمان اجناس گوناگون از نواحی مختلف به سوی پایتخت روانه می شد و در خزانه ها که زیر نظر خزانه دارها اداره می شد انبار می گشت. لازم به ذکر است که در آن زمان تمامی گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه از زن و مرد و کودک فعالیت می کردند و حقوق و دستمزد آنان از هدایا، تقدیمی ها و مالیات‌هایی بود که دیگران پرداخت می کردند.

در آن دوران برخی از مقیاس‌ها، مقادیر، واحد‌ها و وزن‌هایی وجود داشت که پرداخت دستمزد بر اساس آنها محاسبه می شد. به عنوان مثال « برای وزن کردن از پیمان (کیل) استفاده می شد. ارزش وزنی وزنه بر اساس واحد ایرانی «گُرشه» بوده است. گُرشه به وزن ۸۳ و یک سوم گرم، برابر با ۱۰ و یک سوم «شکل» بابلی، در سراسر شاهنشاهی تا مصر رواج داشت.» (افراسیابی، ۱۳۸۶: ص ۹۲)

تالان بزرگ ترین واحد وزن بود. هر تالان ۶۰ «مین» (یا پوند) ۳۰/۱ کیلوگرم وزن داشت. برای اندازه گیری مایعات از واحدی به نام مَریش (تلفظ یونانی آن مریس است) استفاده می کردند. یکی دیگر از وزنه‌های موجود در آن زمان که به نام داریوش ثبت شده است واحد گُرش است که معمولاً برای محاسبه خراج و مالیاتی که به صورت نقره پرداخت می شد مورد استفاده قرار می گرفت. یکی دیگر از واحدهای توزین در زمان هخامنشیان آرته است که به نوشته هرودت در

مصر نیز کاربرد داشته است. در زمان هخامنشیان معمولاً مواد غذایی را به جای وزن کردن پیمانانه می‌زدند. واژه ارتبه را یونانی‌ها برای واژه فارسی باستان *rdbha* (تحت اللفظی: روبه بالا، ایستاده) به کار برده‌اند که بعدها در جهان اسلام به اردب مبدل شده است. (فرقاندوست، ۱۳۸۵: ص ۹۱)

در بین‌النهرین باستان پیمانانه اصلی از روزگاران قدیم «قه» (۰/۹۷ لیتر) بود. ایرانی‌ها «قه» را *dathvya* یعنی یک دهم می‌نامیدند. زیرا «قه» برابر با یک دهم واحد ایرانی «گریوه» (۹/۷ لیتر) بود. پیمانانه ۰/۹۷ لیتری برای توزین مایعات به کار گرفته می‌شد. یک گریوه یک کوزه بود که ایرانی‌ها برای آن واژه «بازیش» (باج) را به کار می‌بردند. ظاهراً در گذشته دور، باج یا مالیات به کوزه جمع‌آوری می‌شده است. (هیئتس، ۱۳۸۰: ص ۲۵۴)

به دلیل اینکه پرداخت حقوق به صورت غیر نقدی بود، ناگزیر مهم‌ترین مواد غذایی از سوی دولت (دربار) قیمت‌هایی ثابت داشتند. قیمت‌ها از سوی «داتم» (قانون) تعیین می‌شدند. برای نمونه داریوش در سال ۵۰۳ پیش از میلاد قیمت میوه خشک را که قبلاً برابر قیمت شراب بود دو برابر می‌کند. قیمت یک ارتبه (۲۹/۱ لیتر) جو یا گندم که هم بها بودند ۰/۹ شیکل بود. یعنی ۱۰۰ کیلو برابر با ۸/۳۰ مارک طلا. یادآوری می‌شود که حقوق یک کارگر ساده یا یک پادو در ماه ۳۰ لیتر جو بوده است. در مقایسه با قیمت جو در سال ۵۳۹ پیش از میلاد در بابل (پیش از افتادن به دست هخامنشیان)، بایستی قیمت جو به شدت افزایش یافته باشد. (گرانوسکی، ۱۳۵۹: ص ۸۵)

در سیستم مالی هخامنشیان، سرحسابرس‌هایی وجود داشتند که به کلیه درآمدها و دریافتی‌ها از فرآورده‌های کشاورزی تا مالیات و پرداخت‌ها، تسلط کافی داشتند. در رأس این حسابرس‌ها، «حسابرس کل» قرار می‌گرفته است که سمت کنترل حسابرسی‌های منطقه را به عهده داشته است. اغلب در کنار این‌ها یک «حسابرس ویژه» نیز وجود داشت. این «حسابرس‌ها» مسئولیت رسیدگی به همه حساب‌های یک حوزه را به عهده داشتند. آنها در منطقه خود به همه جا سرکشی می‌کردند و موجودی محل را کنترل و صورت‌حساب تهیه می‌نمودند. کار اینان بیشتر در پایان سال و در ماه‌های نخستین سال بعد انجام می‌شد، زیرا نوبت رسیدگی به همه «ترازنامه‌های سالانه» بود. (رحیمی، ۱۳۸۹: ص ۱۰۲)

توجه دولت هخامنشیان به کار کردن

مدارکی در دست نیست که نشان دهد دولت هخامنشی تا چه اندازه کار کردن را حق افراد می دانسته و حتی اگر می دانسته ، تا چه اندازه حق گزینش یا پذیرش آزادانه کاری را که پاسخگوی زندگی فرد باشد به رسمیت می شناخته و اقدامات مقتضی برای پاسداری از این حق معمول می داشته است اما باید دانست که وجود مسکوکات در فعالیتهای اقتصادی ، پیدایش بانک، وجود راههای امن و آرام و تشویق دولت به پیشرفت صنعتی و در نتیجه افزایش فرصت های شغلی کمک شایان کرده است. بر پایه لوح های ترجمه شده، شمار زنانی که در دستگاه اقتصادی سلطنتی خدمت می کرده اند ۴۰ تا ۶۰ درصد کارگران بوده و با دختران بر سر هم به ۶۰ تا ۷۰ درصد می رسیده است. از این آمارها می توان دریافت که از حیث حق کار کردن زنان فرصت های برابر با مردان بی هرگونه تبعیض داشته اند. چنین می نماید که مردان بیشتر در ارتش خدمت می کرده اند و بخش بزرگی از کارهای صنعتی و ساختمانی دولتی، به دست زنان بوده است. در زمینه راهنمایی و آموزش فنی و حرفه ای کارگران این قاعده وجود داشت که هر استاد کار موظف بود در دوران زندگی اش چندین استاد کار ماهر مانند خود تربیت کند . (خدادادیان، ۱۳۸۳: ص ۹۵)

کارگران از طبقات گوناگون بودند. از سوی دیگر، بر حسب جنسیت و سن هم به کارگر زن، کارگر مرد، کارگر کودک دختر و کارگر کودک پسر تقسیم می شدند. تقسیمات دیگری نیز بر حسب نوع تخصص کارگران وجود داشت. هخامنشیان با بهبود بخشیدن به روشهای تولید، نگهداری و توزیع غله و با بهره گیری هرچه بیشتر از دانسته های فنی و علمی موجود و نیز با اصلاح نظام کشاورزی به گونه ای که بیشترین توسعه و بهترین بهره گیری از منابع طبیعی بینجامد، برنامه کلان خود را بر افزایش سطح استانداردهای زندگی مردمان گذاشتند (دورانت، ۱۳۶۵: ص ۴۲)

تقسیمات دستمزد

میزان مزد پرداختی به کارگران به طبقه، جنسیت، سن و تخصص آنها بستگی داشته است. برای نمونه مزد کارگر مرد بیشتر از کارگر زن، و مزد کارگر پسر ، بیش از مزد کارگر دختر است. البته

این قانون کلی نبوده است، زیرا در برخی موارد، دستمزد پاره ای از کارگران زن، بیش از کارگران مرد بوده است؛ و این نشان می‌دهد که گاهی تخصص بر جنسیت برتری داشته است. تقسیم‌بندی مزدها بر پایه تخصص نیز بدین گونه بوده است که دارندگان تخصص زره سازی، زرگری و مس‌کاری بیشترین دستمزد را می‌گرفته‌اند و دستمزد کارگران ساختمانی کمتر از دیگران بوده است. از سوی دیگر، دستمزد شراب سازان و آبجوسازان نیز چشمگیر بوده است. بیشترین مزد کارگران تولیدی، کمابیش برابر با ۷/۵ دلار و کمترین آن برابر با ۲۵ سنت بوده است؛ یعنی بالاترین مزد ۳۰ برابر پایین‌ترین مزد بوده است. حقوق سربازان از کارگران تولیدی بیشتر بوده است. آنان کم و بیش ۲۰ دلار دریافت می‌کرده‌اند. کارگران افزون بر مزد، همه هفته مقداری گوشت و شراب نیز می‌گرفته‌اند. بر سر هم باید گفت که مزد کارگران تا آنجا که نظم اجتماعی آن دوران اجازه می‌داده منصفانه بوده است. (شعبانی، ۱۳۸۰: ص ۵۲)

بر اساس اسناد کشف شده، کارمندان دیوانی دو رده‌ی بسیار متفاوت دارند: «اربابان و آزادان»، «خدمتکاران و پادوها». عنوان اخیر، که معمولاً به کودکان و نابالغ‌ها اطلاق می‌شود، برای مردانی که در طبقه‌ی «خدمتکاران» قرار دارند، حتی تا سنین پیری نیز باقی می‌ماند. مانند اصطلاح پاییس در یونان باستان که برای کودکان و بردگان به کار می‌رفت. مزد کارگران عمدتاً به صورت جنسی پرداخت می‌شد و پایه‌ی اصلی محاسبه‌ی آن جو و حداقل مزد یک مرد ۳ «بن» جو در ماه بود. یک «بن» ده «دقه» و هر «دقه» نود و هفت صدم لیتر بود. بنابراین یک «دقه» نزدیک به یک لیتر می‌شد که به زحمت از آن نیم کیلو نان می‌پختند. مزد کارگر خدمتکار و آزاد برابر بود. اگر گاهی در سندی مزد آزادان کم‌تر است (مثلاً دو «بن» در ماه)، احتمالاً این کمی حقوق به خاطر پایین بودن سن است. به کمک تعدادی از لوح‌ها، که حقوق چندین ماه یک گروه کارگری خاص را معین می‌کند، معلوم می‌شود که از ماهی به ماه دیگر آمار کارگران «جوان» کم‌تر و «مردان» بیش‌تر ثبت شده و به همین نسبت جیره‌ی آنان افزایش یافته است. این می‌رساند که در فاصله‌ی یک ماه تعدادی از جوانان به سن بزرگسالی رسیده‌اند. (کخ، ۱۳۸۰: ص ۵۳)

میزان و سطح دستمزد

در دوره هخامنشیان دستمزد ها و میزان آن متفاوت بود . «...پایین ترین سطح حقوق، یعنی ۳۰ لیتر جو در ماه، به خدمتکارها و پادوها تعلق می گرفت از این کارگران بیشتر برای برداشت محصول استفاده می شد که متناسب با فصل و نوع محصول، از منطقه ای به منطقه ای دیگر فرستاده می شدند. بابلی ها را «نگهبان جو» می نامیدند که مسئول نگهداری بذر، بذرافشانی و برداشت بودند. به بابلی های دیگری نیز با عنوان «منشی های پوست نویس» برمیخوریم. تراکیه ای ها را به دام پروری و سوری ها رابه حفاظت از چوب های سدر می گماردند. حقوق مهترها، کارگران خزانه، نخ ریس ها، چوب کارها، نجارها، ظریف کارها، زرگرها، روغن سازان، آب میوه گیران [شراب سازان] و پسر بچه های پارسی که از نبشته ها رونبشته تهیه می کردند، پایین ترین سطح حقوق بود. همه ی کارگرانی که حداقل جیره را می گرفتند، به عناوین و مناسبت های گوناگون «اضافه درآمد» داشتند. به طور منظم، شاید هر دو ماه یکبار، «پاداش» داده می شد که اغلب یک لیتر جو و نیم لیتر شراب یا آب جو بود. از آب میوه گیران و بانوان خیاط خبر داریم که هر ۳۰ نفر ماهانه یک بز یا گوسفند می گرفته اند. لابد که کارگران همسنگ دیگر نیز چنین دریافتی داشته اند، هر چند که این مقدار پاداش کفاف یک شکم سیر را نیز نمی داده است.» (ارفعی، ۱۳۸۷: ص ۴۸)

کمک های شاهانه و پیشکشی ها

در زمان هخامنشیان برخی مواجب و دستمزد ها به عنوان کمک شاهانه محسوب می شدند . « این «کمک شاهانه» عبارت بود از یک لیتر آرد جوی اعلا و یا یک لیتر جوانه ی خشک جو در هر ۳ ماه. شراب ترش هم جزء عطایا بود. به گواهی برخی اسناد، یک گروه ۱۶۱ نفری کارگر، سالانه ۵ لیتر شراب ترش گرفته اند. پسر بچه های پارسی که از روی نبشته ها رونبشت تهیه می کردند ماهی نیم لیتر و یکی از آنان یک لیتر شراب گرفته اند. در میان «کمک های شاهانه» گاهی به میوه هم برمیخوریم. برای نمونه کارگران لیکیایی، که در دامداری کار می کردند، ماهانه یک لیتر انجیر و پادوهای تراکیایی یک سوم لیتر گردو گرفته اند. ظاهراً فقط مردها ماهانه یک لیتر تخم کتان نیز گرفته اند . این «کمک ها» مخصوص کارگران ساده بود: کارگران شاه و همسرانش، کارگران ارگ،

خزانه‌داری، نقاشان ساختمان، آب‌میوه‌گیران، بانوان کارگر در امور کشاورزی، بانوان خیاط و اغلب کارگران خارجی از لیکیه، تراکیه، کاری و سعدی. تقسیم این کمک‌ها به عهده سرپرستی ویژه‌ای بود که «مفتش» خوانده می‌شد. علاوه بر این اضافه پرداخت‌های مشخص و همیشگی، جیره‌ای وجود داشت که به آن «پیش‌کشی» می‌گفتند. مثلاً زائوها ۵ ماه تمام جیره‌ی ویژه می‌گرفتند که میزان آن به جنسیت کودک بستگی داشت. برای نوزاد پسر ماهانه یک کوزه‌ی ۱۰ لیتری شراب یا آب جو، ۲ «بن» جو، گندم و گاه هم آرد و برای نوزاد دختر نصف این مقدار پرداخت می‌شد. کارگران کارهای سنگین «جیره‌ی پیش‌کشی» دریافت می‌کردند، اما در این باره سند قابل اتکاء دقیقی در دست نداریم. یک گروه ۱۲۹ نفری از این کارگران ۵۱۴ لیتر غله، احتمالاً برای یک سال یعنی هر نفر یک سوم لیتر در ماه، دریافت کرده‌اند. در اسناد موجود این بخشش در ۳ سال متوالی قابل پی‌گیری است.» (کخ، ۱۳۸۰: ص ۵۹)

کارگران یک گروه ۳۰ نفری دیگر هر کدام در ماه ۱ لیتر غله گرفته‌اند. میزان این کمک‌ها بستگی به نوع کار داشت و متأسفانه در این باره اطلاع بیشتری به دست نمی‌آوریم. به کارگران علاوه بر گندم یا جو، بریانی جو، جوانه‌ی جو همراه شراب یا آب جو، خرما و بادام نیز داده شده‌است. هم‌چنین کارگران «جیره‌ی پیش‌کشی» به مناسبت سختی کار نیز می‌گرفته‌اند که در لوح‌ها به ندرت به میزان دقیق آن اشاره شده‌است. مثلاً ۱۰۰ نفر از کارگران خزانه‌داری هر کدام یک لیتر شراب در ماه دریافت کرده‌اند و یک گروه ۹۰ نفری دیگر برای همین زمان یک سوم لیتر شراب و یک لیتر جو گرفته‌اند و به اعضای یک گروه دیگر هر کدام ماهانه، به مدت یکسال، یک لیتر انجیر داده شده‌است. درکنار نگهداران خزانه، بانوان خیاط، بانوان کارگر مزارع و کارگران نقاشی ساختمان، اغلب باکارگران خارجی نیز، که «جیره‌ی پیش‌کشی» دریافت کرده‌اند، وجود داشتند. (کخ، ۱۳۸۰: ص ۶۰)

در شاهنشاهی ایران همه می‌توانستند با کسب مهارت میزان دریافتی‌های خود را بیش‌تر کنند. «سندی وجود دارد که گویای امکانات گوناگونی در چارچوب گروه شغلی خاص است. از جمله لیست پرداخت جو به کارکنان یک کارگاه خیاطی موجود است که در آن از بالاترین تا پایین‌ترین حقوق دیده می‌شود. ردیف‌های پایانی مربوط به کودکان است که حقوق‌شان نسبت به سن‌شان

طبقه‌بندی شده‌است. ۲ پسر و ۵ دختر بچه هر کدام ۵ لیتر، ۶ پسر و ۵ دختر هر کدام ۱۰ لیتر، ۲ پسر ۱ دختر هر کدام ۱۵ لیتر جو حقوق ماهیانه دریافت کرده‌اند.» (ارفعی، ۱۳۸۷: ص ۴۸)

معمول چنین بود که تمام اعضای خانواده برای یک کارفرما کار می‌کرده‌اند. اگر پدر خانواده برای دربار کار می‌کرد همسر و کودکانش نیز از خردسالی در همان‌جا مشغول بوده‌اند. شاید کودکان خیلی زود وارد بازارکار و مجبور به کسب مهارت می‌شدند. در این صورت حرفه‌ای را انتخاب می‌کردند و تا رسیدن به بلوغ شغلی، متناسب سن‌شان، جیره‌ی لازم را می‌گرفتند. در چند سند، مقام‌های دیوانی این کودکان را با عنوان «رده‌ی پیش‌تعارف‌های» نامیده‌اند. (شعبانی، ۱۳۸۰: ص ۵۵)

یک رده بالاتر از کودکان، گروهی قرار دارد که ماهانه ۲۰ لیتر جو می‌گیرند. در میان این گروه ۳ تن دوزنده‌ی ردا، ۷ تن دوزنده‌ی لباس بی‌آستین می‌باشد.

بر اساس اسناد به دست آمده، دو زن دوزنده‌ی پالتوهای ظریف ماهانه ۲۰ لیتر جو می‌گیرند، زنی دیگر با همین شغل ۲۵ لیتر و ۷ زن دیگر ۳۰ لیتر، هم‌چنین ۲۱ بانوی دوزنده‌ی لباس ظریف و ۱۸ بانوی دوزنده‌ی لحاف، ۳۰ لیتر جو دریافت می‌کرده‌اند. در عین‌حال در هر گروه به زنی برمیخوریم که فقط ۲۵ لیتر جو می‌گیرد. این رده‌بندی حقوق، مانند وضعیت حقوقی مردان، می‌تواند نشانه‌ی این باشد که بانوان خیاط در مراحل گوناگونی از آموزش بوده‌اند. علاوه براین، راجع به تفاوت حقوق بانوان، باید امکان دیگری را نیز در نظر گرفت. آشپزی، رخت‌شویی، خانه‌داری و شاید هم رسیدگی به باغچه‌ی کوچک خانواده، احتمالاً زنان را از کار تمام وقت بازمیداشت و در چنین حالتی طبیعی است که حقوقی برابر مردها نداشته باشند. در فهرستی ۱۰ زن که لباس بسیار ظریف و ۶ زن که پالتوی بسیار ظریف میدوزند هر کدام ماهانه ۴۰ لیتر جو و ۳ مرد درست برای همین کار ۴۵ لیتر جو دریافت کرده‌اند. اسناد دیگری هم نشان می‌دهد که مرد و زن برای کار واحد، کارهای هنری و بسیار ظریف، مزد برابری می‌گرفته‌اند. مثلاً در خزانه‌ی شیراز در سال ۴۹۴ پ.م. ۲ مرد و ۵۱ زن و همان سال در خزانه‌ی رجا، ۷۵ زن و تعداد اندکی مرد به کارهای هنری دستی مشغول بوده‌اند و همه ماهانه ۴۰ لیتر جو گرفته‌اند. در عین حال در همین مکان‌ها، ۴ کارگر مرد و ۴۵ کارگر زن در شیراز و ۲ مرد و ۱۱۳ زن در رجا، هر کدام در مقابل انجام کارهای هنری و ظریف، ماهانه فقط ۳۰ لیتر جو دریافت کرده‌اند. (ارفعی، ۱۳۸۷: ص ۴۸)

بدین ترتیب واضح می‌شود که ظریف‌ترشدن کار، مثلاً دوختن لباس ساده، ظریف و یا خیلی ظریف و یا داشتن مهارت کافی یا نوآموز بودن و در مورد زنان کار نیمه وقت یا تمام وقت، بر میزان حقوق‌ها اثر می‌گذارد است.

بالاترین دستمزد

از زمان هخامنشیان اسناد و لوح‌هایی به دست آمده که ما را در فهم بسیاری از امور در آن دوران یاری می‌رساند. بر اساس این لوح‌ها «... بالاترین حقوق را بانوان سرپرست دریافت می‌کنند، ۵۰ لیتر جو در ماه. این حقوق معمول بانوان مدیر بود که اغلب در کارگاه‌های خزانه و یا کارگاه‌های تولیدی دیگر با آنها رو به رو می‌شویم. به این مقدار جو باید ۳۰ لیتر شراب و یک سوم یک بز یا گوسفند را نیز افزود. سرپرست زن خزانه‌ی پسته‌ن نیز ۵۰ لیتر جو و ۳۰ لیتر شراب می‌گرفت. پس از این سرپرست، یک مرد با ۴۰ لیتر جو و ۲۰ لیتر شراب و سه زن با ۴۰ لیتر جو و ۱۰ لیتر شراب قرار می‌گیرند. میزان جو برابر اما شراب متفاوت است. البته در مقایسه‌ی اصل حقوق زن و مرد این اندک تفاوت شراب چندان قابل اعتنا نیست. زیرا گاه در میان مردان هم که حقوق برابری به صورت جو می‌گیرند، تفاوت‌هایی در میزان شراب دریافتی‌شان به چشم می‌خورد. ظاهراً این تفاوت بیش‌تر به نوع کار مربوط است. مثلاً درحالی که قضات، پاسبانان نیزه دار راه‌ها، سربازها، بلدی‌های راه، شتربان‌ها، مهترها، پیک‌های سریع‌السیر، تقسیم‌کنندگان جیره، آشپزها، نگهبانان انبارهای میوه، و سرکارگران هر کدام در ماه ۴۵ لیتر جو و ۳۰ لیتر شراب می‌گیرند، مامورین وصول مالیات، نگهبانان خزانه، مردانی که پالتوهای خیلی ظریف می‌دوزند، نقره کاران لیدیایی، زرگرا، چوب برها، پیک‌ها، سفیرها، منشی‌های بابلی تهیه‌کنندگان کتیبه‌ها، ماهانه به صورت جو همان ۴۵ لیتر را می‌گیرند اما مقدار شرابشان نصف ردیف قبل، یعنی ۱۵ لیتر در ماه است. سهم شراب مرحم‌داران بابلی ۵ لیتر و پاسبانان ساده و پسرکان پارسی رونبشت بردار فقط دو و نیم لیتر است. در گروه اخیر یک نفر حتی ۱ لیتر می‌گیرد.» (هینتس، ۱۳۸۰، ص. ۲۶۲)

این تفاوت در مورد پسران جوان احتمالاً گویای توجهی است که به سن آنها می‌شد. درباره‌ی جیره‌ی شراب بسیار کم پاسبانان یعنی نیم لیتر در ماه احتمالاً بی‌ارتباط به شغل‌شان نباشد. در

مقایسه‌ی با حقوق منشی‌های بابلی و تهیه‌کنندگان کتیبه‌ها، یعنی ۴۵ لیتر جو و ۱۵ لیتر شراب، اگر منشی‌های خزانه‌داری ۴۰ لیتر جو می‌گرفتند در عوض شراب شان ۲۰ لیتر بود. به این ترتیب امکان طبقه‌بندی حقوق بسیار متنوع بود و همین تنوع، کار تهیه‌ی فهرستی از حقوق مشاغل را، بسیار دشوار می‌کند. می‌توان چنین گفت که نظام دیوانی هخامنشی می‌کوشید تا هر کس به اندازه کاری که انجام می‌دهد مزد بگیرد. حقوق‌های سازمانی بالا نیز طبقه‌بندی شده بود. بازرسان، ماموران مالیاتی، بازرسان سپاه، ماموران تهیه و خرید، زرگران، پیک‌های سریع ویژه و راهنمایان سفر هر کدام ماهانه ۶۰ لیتر جو و ۱۰ لیتر شراب دریافت می‌کردند. ماموران کنترل، حساب‌رسان، مامور، متخصصان باغداری، همراهان شاهزاده خانم‌ها، نگهبانان خزانه و دژ هر کدام ماهانه ۶۰ لیتر جو و ۳۰ لیتر شراب می‌گرفته‌اند. جیره‌ی گوشت ماهانه‌ی این گروه را تنها می‌توان تا یک ششم بز یا گوسفند دنبال کرد. این مقدار گوشت نصف جیره‌ی سرپرست بانوان کارگر است، که دریافتی آنها ۵۰ لیتر جو و ۳۰ لیتر شراب بود. (کخ، ۱۳۸۰، ص. ۶۳)

میزان دریافتی گروهی از حقوق‌بگیران رده‌های بالا کاملاً چشم‌گیر است («... از همه بالاتر دریافتی رییس تشریفات است که همه‌ی تشکیلات دیوانی پارس، یعنی هسته‌ی مرکزی شاهنشاهی ایران را زیر نظر داشت. حقوق ماهانه‌ی او عبارت از ۵۴۰۰ لیتر جو، ۲۷۰۰ لیتر شراب، و ۶۰ راس بز یا گوسفند بود. لاقل می‌دانیم که فرنکه، که سال‌ها رییس تشریفات داریوش بود، این مقدار دریافتی داشت. تنها گئوبروه، پدر زن داریوش که در براندازی گئوماته و انتقال شاهنشاهی به داریوش سهمی داشت و «نیزه‌دار» او بود، شراب بیشتری دریافت می‌کرد. در سنگ نگاره‌ی بیستون نیز نفر دوم پس از داریوش گئوبروه است. او برای هر ماه ۳۰۰۰ لیتر شراب دریافت می‌کرد. از دیگر سهمیه‌ها چیزی نمی‌دانیم. قائم‌مقام رییس تشریفات در زمان زمامداری داریوش برای سالهای طولانی چیسه وهوش بود که فقط یک سوم فرنکه جو و شراب، یعنی ۱۸۰۰ لیتر غله و ۹۰۰ لیتر شراب و در عوض گوشت بیشتر، یعنی ۴۵ راس بز یا گوسفند دریافت می‌کرد.» (حسین بر، ۱۳۸۷، ص. ۴۶)

هنگام پرداخت جیره‌های کلان، گاهی از غلات جانشین یا آرد نیز استفاده می‌شد. مثلاً درحالی که به سبب وضعیت خاص مسافر به پیک‌ها آرد داده می‌شد رییس تشریفات نیز آرد می‌گرفت.

مسافرین می‌توانستند با سهمیه‌ی آردشان، خود نان بپزند. در سندی آمده یک کارمند تهیه‌ی مواد ۶۰ لیتر آرد و ۳۰ لیتر جوی بوداده و کارمندی دیگر ۹۰ لیتر گندم و خدمتکارش فقط جو دریافت کرده‌است.

با اسنادی که امروز در دست است، پی‌بردن به میزان واقعی درآمد در زمان هخامنشیان کار بسیار دشواری است. با این همه مسلم است که حقوق و جیره طبقه بندی شده بود و هرکس به نسبت مهارت و میزان کار حقوق دریافت می‌کرد. کوشش می‌شد تا به عناوین مختلف، دریافت کنندگان حداقل دستمزد، که ناگزیر از انجام کارهای سخت نیز بودند، با اضافه پرداخت‌هایی تامین شوند. به همین دلیل حداقل حقوق از آنچه در بین‌النهرین پیش از هخامنشیان پرداخت می‌شد و جیره‌ی یک منشی، باغبان، خیاط، کشاورز، کوزه‌گر، نجار و چوب‌بر، سراج و آهنگر ماهانه فقط ۲۰ لیتر جو بود، بالاتر است. در زمان داریوش کمک‌های پراکنده‌ی دولتی را نیز باید بر حقوق کارگران و کارکنان دولت افزود. این کمک، هم شامل کارگرانی می‌شد که شرایط کاری فوق‌العاده سختی داشتند یا به دلیلی دیگر مستحق دریافت پاداش بودند و هم شامل حال زنانی که وضع حمل کرده بودند. حقوق زن و مرد برای کار یکسان، برابر بود. زنان می‌توانستند ساعات کار کم‌تر و یا به عبارت دیگر کار «نیمه وقت» بردارند. محیط کاری زن و مرد یکی بود و امکانات کارآموزی و ارتقای شغلی برای هر دو یکسان فراهم می‌شد. در میان اسناد موجود تعداد مدیران و سرپرستان زن کم نیست. (افراسیابی، ۱۳۸۶: ص ۹۸)

همه‌ی اعضای خانواده‌ی کارکنان دربار از نظر مالی زیر پوشش نظام اداری قرار داشتند. علاوه بر حق عیال و اولاد، زندگی این خانواده‌ها با کاشت و برداشت، پرورش ماکیان و در چارچوب معینی با نگهداری بز و گوسفند تامین می‌شد. هزینه‌ی لباس نیز می‌توانست بر عهده‌ی دربار باشد. متأسفانه در این باره سندی دردست نداریم؛ اما می‌توان حدس زد که برای لباس نیز اداره‌ی ویژه‌ای وجود داشته که کارش تامین سهمیه‌های لازم بوده‌است. از وجود چنین سازمانی در زمان شاهان عیلامی در شوش سده‌ی هفتم بی‌خبر نیستیم. در اینجا در میان تیول دریافتی، لباس نیز قرار داشت و یا لاقط بخشی از سهمیه‌ها به صورت لباس تامین می‌شد. بی‌شک در دوره‌ی هخامنشیان نیز، که اصول نظام دیوانی را از عیلامی‌ها گرفته بودند، وضعیتی مشابه وجود داشت. در کارگاه

های شاهی خزانه‌ها، صدها بانوی خیاط نه فقط لباس‌های پرزرق و برق برای خلعت دادن شاه دوخته‌اند، بلکه به استناد لیست‌های حقوق، لباس‌های کاملاً معمولی نیز در این کارگاه‌ها دوخته شده‌است که به احتمال زیاد مورد مصرف کارگران و کارکنان بوده‌است. (ارفعی، ۱۳۸۷: ص ۵۲)

در شاهنشاهی بزرگ ایران، در کنار مردمی که در خدمت دولت بودند، بی‌شمار پیشه‌وران و بازرگانان آزاد و هم‌چنین کشاورزان و مالکین بزرگ‌تر نیز قرار داشتند که به سهم خود از مزدبگیران و خدمتکاران خاص استفاده می‌کردند. در این‌باره لوح‌های دیوانی تخت‌جمشید گاه اطلاعاتی، مثل نور باریکی در تاریکی، به ما می‌دهد. مثلاً درجایی از خیاطی مستقل صحبت می‌شود که لباس‌های تولیدی خود را به خزانه تحویل داده و برای هر دست لباس ۱۰ لیتر جو گرفته‌است. (افراسیابی، ۱۳۸۶: ص ۹۹)

سایر دستمزدها

علاوه بر پرداخت‌های جبرانی که کمک‌های دیگری نیز به بعضی از کارکنان می‌شده که برخی از آنها به شرح زیر می‌باشند:

* به برخی از کارکنان لباس دوخته شده داده می‌شد. در کارگاه‌های شاهی خزانه‌ها، صدها بانوی خیاط نه فقط لباس‌های پرزرق و برق برای خلعت دادن شاه می‌دوختند، بلکه به استناد لیست‌های حقوق، لباس‌های کاملاً معمولی نیز در این کارگاه‌ها دوخته شده است که به احتمال زیاد مورد مصرف کارکنان و کارگران بوده است.

* در برخی نقاط به کارکنان ناهار رایگان داده می‌شد. اسناد نشان می‌دهد که تعداد زیادی آشپز زن زیر نظر خزانه‌دار کار می‌کرده‌اند که برای کارگران غذا می‌پختند.

* برای نگهداری نوزادان بانوانی که در کارگاه‌های تخت‌جمشید کار می‌کردند مهدکودک ایجاد شده بود که آن‌ها را در زمان خدمت بانوان نگهداری کنند. اسنادی وجود دارد که حقوق و میزان پرداختی به مربیان مهدکودک را نشان می‌دهد.

* زنان دارای مرخصی زایمان بودند و در زمان مرخصی ۷۰ درصد حقوق ماهانه خود را می‌گرفتند. سندی وجود دارد که یکی از زنان در زمان مرخصی زایمان ۲۰ لیتر غله از ۳۰ لیتر حقوق ماهانه دریافت کرده است.

* به کارکنان زن، در زمان زایمان، پاداش داده می‌شد که برای فرزند پسر ۲۰ بن غله و برای دختران نصف بود (کخ، ۱۳۸۰، ۶۷)

انواع مواجب در دوران هخامنشیان

۱. مواجب برای مقامات دینی

بر اساس برخی از لوحه‌ها، مواجب و مقرری کم و بیش مستمری به کسی که منصب یا مقامی دینی دارد برای اجرای مراسم دینی پرداخت می‌شود. در متن این لوحه‌ها واژه Tamsiyam که به نظر می‌رسد از فارسی باستان گرفته شده باشد نمایانگر نوعی مراسم دینی است. واژه dausam به معنای شراب اهدایی به خدایان انگاشته شده است. همچنین در این متن‌ها دریافت کننده هدایا satin خوانده شده که عنوان ایلامی برای پرستاران بوده است. برای روحانیان از واژه‌ی پرستار (پرستار) که کاربردی دینی داشته است استفاده شده است و از به کار گیری واژه‌هایی مانند "گاهن" یا "راهب" و همانند آن‌ها که مخصوص گروه‌های دینی خاص هستند پرهیز شده است. (ارفعی، ۱۳۸۷: ص ۵۱)

۲. مواجب ماهانه مستمر

بر اساس لوحه‌های ذکر شده میتوان از نظر اداری مقام مسیولان حکومتی را چنین تقسیم بندی کرد:

۱. پرنک عمومی داریوش بزرگ که پس از داریوش بزرگ بالاترین مقام اداری و مالی را در ارتباط با خوراک دارا می‌باشد

۲. زیشویش قائم مقام و نایب وی

۳. مسئولانی که برای آنها از عنوان damana استفاده شده است

۴. مسئولانی که عنوان sarama دارند

۵. Kurmin ها یا فراهم کنندگان کالا که میتوان گفت کم و بیش همچون کارپردازان امروزی اداره‌ها بوده‌اند

۶. کارگزاری که کالا را از کارپرداز دریافت میکنند و به گروه‌های کار می‌دهند. غله و شراب به عنوان موجب بیش از کالاهای دیگر مانند آبجو، آرد و غیره به کارگران پرداخت میشده است. در دریافت موجبی چون غله و آرد، پسران و دختران با مردان و زنان سهیم هستند اما هنگامی که شراب یا آبجو پرداخت شده تنها مردان و زنان دریافت کننده هستند. در متن‌های موجب کارگران اغلب مردان بیش از زنان، و پسران بیش از دختران موجب میگیرند. موجب معمول مردان ۳ bar غله (حدود ۲۷/۶ کیلوگرم) و یا ۲ مریش (حدود ۱۸/۴ لیتر) شراب است. موج معمول زنان در ماه ۲ bar غله و یا ۱ مریش شراب است. پسران ۲ bar و دختران نیز به جز در برخی از موارد همین مقدار را در ماه دریافت می‌کنند. (ارفعی، ۱۳۸۷، ص. ۵۲)

۳. موجب مادران

در متن‌های لوحه‌های به دست آمده اشاره‌هایی به پرداخت یک بار موجب ویژه به مادرائی که به تازگی زایمان کردند شده است این پرداخت را نباید جایگزین موجب برای زمان استراحت مادران پس از زایمان دانست بلکه باید آن را گونه‌ای تشویقی به شما آورد. به طور کلی مادرائی که پسر زاییده‌اند دو برابر مادرائی که دختر زاییده‌اند از این موجب ویژه بهره‌مند می‌شوند این موضوع شاید نشانگر نیازمندی دستگاه اداری به نیروی کار نیرومندتر باشد.

بیشترین کالایی که برای تشویق به مادران داده شده، شراب و گهگاه آبجو است که به طور معمول یک مریش شراب به مادران پسر زاییده و نیم مریش به مادران دختر زاییده پرداخت می‌شده است. (ارفعی، ۱۳۸۷: ص ۵۲)

۴. موجب سفر

متن‌ها و لوحه‌هایی که پیرامون موجب سفر است در میان سایر موجب بیشترین فراوانی را دارد تعداد دفعات تکرار آن بیشتر از مابقی موجب است. « آرد به طور معمول به عنوان موجب سفر به مسافرانی که باید کارگزاران و کارگران دولتی بوده باشند پرداخت شده است. مردانی که

بزرگزاده نامیده شده‌اند ۱/۵ QA و آنان که پسران یا خدمتکاران خوانده شده‌اند در هر روز ۱ QA آرد را دریافت کرده‌اند. مقصد و مبدأ بیشتر مسافران، تخت جمشید و شوش است.» (ارفعی ، ۱۳۸۵ ، ۴۹)

در بسیاری از متن‌های لوحه‌ها ، به مبدأ یا مقصد مسافران اشاره‌ای نشده است، اما می‌توان آنها را با توجه به سند مهر شده و یا مجوزی که مسافران در اختیار داشتند به صورت زیر شناسایی کرد :

۱. مبدأ سفر کسانی که سند مهر شده یا مجوز پَرَنکَ و یا نایب وی زشَویش را حمل می‌کنند، تخت جمشید است.

۲. مبدأ سفر مسافرانی که سند مهر شده و یا مجوز بَکَبَن^۱ را حمل می‌کنند، شوش است.

در متن‌های مسافرتی، در بیشتر موارد، گیرنده کالا، خود یکی از گروه مسافران است. در این‌گونه متن‌ها از زنان و دختران کمتر یاد می‌شود و منظور از پسرانی که مواجب دریافت می‌کنند افراد بالغی هستند که پیشه‌ای خاص دارند و از افراد گروه وابسته به بزرگ زادگان هستند. (ارفعی ، ۱۳۸۵ ، ۵۱)

۵. مواجب ویژه جانوران

متن‌های این گروه، به « پرداخت شراب به اسبان اختصاص دارد گرچه در برخی از این متن‌ها کالاهای دیگری چون آبجو، غله، و فرآورده‌های آن نیز به چشم می‌خورد. در این گروه از مواجب گهگاه به جانوران دیگر نیز بر می‌خوریم. در بعضی متن‌ها آمده است که استران نوعی غله به نام zali را از شهر کوریشتیش^۲ دریافت کرده‌اند. در یک مورد نیز به خران همراه اسبان آبجو داده شده است. در جایی دیگر آمده است که به اسبان جوان و اسبان سفر کننده در راه و اسبان بالغ شرابی خورنده شده است. مقدار دریافتی ماهانه هر اسب ۸۳/ QA ماهانه است. هر ۱۶۰ اسب، ماهانه ۴ مریش شراب دریافت کرده‌اند. این مقدار را باید جیره‌ای اضافی و ویژه دانست.» (علوی ، ۱۳۸۰ ، ۴۹)

¹ -bakabana

² -kurishtish

۶. مواجب سفر برای جانوران

در این گروه از متن‌ها، جیره روزانه سفر به چارپایانی که در حال سفر از جایی به جایی دیگر هستند، پرداخت شده است. «...همان گونه که انتظار می‌رود تعداد اسبانی که جیره سفرشان را در راه تخت جمشید- شوش می‌گیرند از چارپایانی چون شتر و خر بیشتر است. در این متن‌ها، سهم شراب روزانه هر اسب، ۱/۲۰ مریش بوده است.» (ارفعی، ۱۳۸۵، ۵۳)

نتیجه گیری

با مطالعه پیرامون دولت هخامنشیان چنین استنباط می شود که سیستم و تشکیلات اقتصادی منظمی در آن زمان حکمفرما بوده است. داریوش دست به اصلاحاتی زد که تا مدت ها آثارش بر چهره ایرانیان نمایان بود. بسیاری از این اصلاحات که در نوع خود بی مانند بود، بستر را برای طرح حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان فراهم آورد. او در چارچوب ادبیات امروز حقوق بشر، برای تحقق بخشیدن به آرمان های انسان رهایی یافته از تهیدستی و ترس، با بهره گیری هر چه بیشتر از منابع موجود، به تعهدات خود عمل کرد. با تثبیت اوضاع اقتصادی در دوران داریوش، در بیشتر نقاط کشور «سکه» ابزار مبادله شد و اندک اندک بانک ها نقشی برجسته در فعالیت های اقتصادی بازی کردند. در اوایل دوران هخامنشی، مالیات به معنای دقیق کلمه وجود نداشت. ولی در زمان داریوش صورت رسمی به خود گرفت. که مالیات به صورت جنسی و یا نقدی پرداخت می شد.

یکی از امورات اقتصادی که در دوران هخامنشیان مورد توجه ویژه بود سیستم حقوق و دستمزد بود. به طور کل، کار کردن حق تمام افراد جامعه بوده است. بنابراین تمامی اقشار جامعه به فعالیت خاصی مشغول بودند و در مقابل کارهایی که به آنان سپرده شده بود دستمزد دریافت می کردند. میزان دستمزد دریافتی مردم به عواملی همچون سختی و ظرافت کار، سن و میزان مهارت آنان بستگی داشت. بالاترین حقوق به زنان سرپرست و پایین ترین آن به خدمتکاران و پادوها تعلق داشت. مهمترین اجناسی که به عنوان دستمزد پرداخت می شد گوشت، جو، شراب و آرد بود. ولی این اجناس بر اثر گذشت زمان و عدم توانایی در حفظ آن، از بین می رفت و همین امر سبب ناخشنودی مردم بود. از زمان داریوش که ضرب سکه رواج یافت شیوه پرداخت دستمزد و مواجب نیز تغییر یافت و گروه های مختلف در ازای کارهای انجام شده، سکه دریافت می کردند.

فهرست منابع

۱. ۱. آ. گراتسکی. (۱۳۵۹). *تاریخ ایران از باستان تا امروز*، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران: انتشارات پویش
۲. ارفعی، عبدالمجید. (۱۳۸۷). *گل نبشته های باروی تخت جمشید*، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۳. افراسیابی، بهرام. (۱۳۸۶). *ایران همیشه جاوید*، تهران: انتشارات مهرام
۴. خدادادیان، اردشیر. (۱۳۸۳). *تاریخ ایران باستان*، تهران: انتشارات گلبرگ یکتا
۵. دورانت، ویل. (۱۳۶۵). *تاریخ تمدن*. ترجمه امیر حسین آریانپور. ج ۲ و ۳. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۶. شعبانی، رضا. (۱۳۸۰). *مروری کوتاه بر تاریخ ایران*، تهران: انتشارات سخن
۷. فرقاندوست حقیقی، کامبیز. (۱۳۸۵). *اوزان و مقادیر در ایران باستان*، تهران: انتشارات بازتاب
۸. کخ، هایدماری (۱۳۸۰). *از زبان داریوش*. ترجمه دکتر پرویز رجبی. تهران: انتشارات کارنگ
۹. کورت، آملی. (۱۳۸۲). *هخامنشیان*، ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: انتشارات ققنوس
۱۰. هرودوت. (۱۳۶۸). *تواریخ*، ترجمه ع. وحید مازندرانی. تهران: نشر دنیای کتاب
۱۱. هیتس، والتر (۱۳۸۰). *ایران در دوره نخستین پادشاهان هخامنشی*، ترجمه روحی ارباب تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۱۲. مرادی غیاث آبادی، رضا. (۱۳۸۰). *کتیبه های هخامنشی*، انتشارات نوید شیراز، شیراز

